

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۹/۲۸

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۱/۲۹

زهرا قائمی*

رابطه میان غیرتمندی و حیا در اندیشه اسلامی

چکیده

موضوع این پژوهش رابطه میان غیرتمندی و حیا از منظر آیات و روایات میباشد. غیرت به معنای رشک و حسد مردانه و هم مفهوم با حمیت است که به چهار نوع دینی، ناموسی، ملی و فرهنگی تقسیم می‌شود. یکی از صفات انسانی و الهی که در آموزه‌های دینی دارای جایگاه خاصی است و رابطه تنگاتنگی با ایمان دارد، صفت حیا است.

از نظر قرآن همان گونه که انسان باید نسبت به حریم حرمت‌های دیگران محفوظ به حیا و عفت باشد و متعرض نوامیس دیگران نشود، باید نسبت به نوامیس خویش نیز مراقبت داشته و به سیانت و دفاع از آن پرداخته و غیرت ورزد.

واژگان کلیدی: غیرت، حیا، آیات، روایات، حرمت.

*دانش آموخته سطح ۲ حوزه علمیه خراسان

استاد راهنما: فهیمه عطار رئوف

طرح بحث

هر انسانی اموری چون خانواده، خانه، چراگاه و کشور را به عنوان ناموس خویش قرار می‌دهد و خود را ملزم به دفاع از آن می‌داند. در ادبیات فارسی به زن و خانواده نیز ناموس گفته می‌شود که انسان از آن دفاع می‌کند و اجازه تعرض به کسی نمی‌دهد.

فطرت آدمی به گونه‌ای است که از خود و خانواده و نوامیس خویش دفاع و صیانت می‌کند و اجازه تعرض به کسی را نمی‌دهد. صیانت و دفاع از نوامیس به عنوان یک واجب اسلامی در شریعت و احکام آن مطرح شده است.

یکی از عوامل مؤثر در حفظ پاک‌دامنی انسان، صفت شرم و حیا است. انسان به همان میزان که از این صفت پسندیده بهره‌مند است، از کارهای زشت و نامشروع دوری می‌کند.

در راستای پژوهش در مورد این مقاله، بهره‌گیری از آثار ارزشمندی از جمله نهج البلاغه امیرالمؤمنین علی (علیه‌السلام) و جامع‌السعادت ملا محمدمهدی نراقی، به دلیل برخورداری از بیانی شیوا و گیرا، کمک شایانی به تبیین موضوع نموده است.

در نوشته پیش رو می‌خواهیم بدانیم که معنا و مفهوم دقیق غیرت و حیا به چه معناست و آیا این دو، رابطه‌ای با یکدیگر دارند یا خیر؟ لذا پس از بیان غیرت و حیا به صورت جداگانه، به بررسی آثار هر یک به صورت مجزا پرداخته شده است که درنهایت، خواننده به رابطه تنگاتنگ این دو مقوله با یکدیگر پی می‌برد.

الف. دفاع از نوامیس از واجبات شرعی

هر انسانی اموری چون خانواده، خانه، محله و کشور را به عنوان ناموس خویش قرار می‌دهد و خود را ملزم به دفاع از آن می‌داند. در فرهنگ عربی از این امر به عنوان «حمیت» یاد می‌شود. حمیت مصدر جعلی از «حمی» به معنای دفاع و صیانت است. البته باید توجه داشت که «حمی» به تشدید میم به معنای تب و داغ است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ص ۱۴۸) محامی، وکیل و مدافعی است که با گرما و حرارت و شدت بسیار به دفاع از شخص یا چیزی می‌پردازد.



ناموس به کمینگاه و نهانگاهی گفته می‌شود که صیاد و شکارچی، خود را در آن مخفی می‌کند تا دیده نشود. حال فرقی نمی‌کند که این شکارچی انسان باشد یا شیر یا هر جانوری دیگر. البته قانون و شریعت را نیز ناموس می‌گویند؛ زیرا انسان به آن پناه می‌برد و خود را از شر ظلم و ستم در امان نگه می‌دارد. در ادبیات فارسی به زن و خانواده نیز ناموس گفته می‌شود که انسان از آن دفاع می‌کند و اجازه تعرض به کسی نمی‌دهد.

فطرت آدمی به گونه‌ای است که از خود و خانواده و نوامیس خویش دفاع و صیانت می‌کند و اجازه تعرض به کسی را نمی‌دهد. اصولاً در هر انسانی سه قوه اصلی عقل و شهوت و غضب است. مسئولیت قوه شهوانی جذب هر آن چیزی است که انسان بدان نیاز دارد و مقتضیات بقا و رشد شخص را فراهم می‌آورد. مسئولیت قوه غضبانی دفع هر آن چیزی است که به ضرر انسان است و در حقیقت موانع موجود را برمی‌دارد و اجازه نمی‌دهد تا مانعی ایجاد شود و پیش از ورود آن را دفع می‌کند. پس دو قوه شهوانی و غضبانی به عنوان قوای جاذبه و دافعه عمل می‌کند. عقل عهده‌دار ایجاد اعتدال میان دو قوه و مدیریت و مهار آن است.

بنابراین، قوه غضبی در انسان به عنوان قوه دافعه، هر آن چیزی را که شخص وی یا نوامیس او را تهدید می‌کند، دفع کرده و از نوامیس خود از جمله جان و مال و عرض دفاع و صیانت می‌کند. از آنجاکه آموزه‌های اسلام بر اساس فطرت سالم بشری است (روم، ۳۰)، این دفاع و صیانت را تأیید و امضا کرده است. لذا صیانت و دفاع از نوامیس به عنوان یک واجب اسلامی در شریعت و احکام آن مطرح شده است.

ب. معنای غیرت

غیرت به معنای رشک و حسد مردانه و سرشار از صفات آن است و در تداول فارسی‌زبانان به معنای حمیت و محافظت، عصمت، آبرو، ناموس و نگهداری عزت و شرف آمده است (دهخدا، ۱۳۷۷، ص ۲۸۵) و غیرتمند کسی است که نگهدار عصمت، آبرو، شرف و عزت است (معین،

۱۳۸۶، ص ۳۶)



علمای اخلاق نیز غیرت را چنین تعریف کرده‌اند: غیرت و حمیت، یعنی تلاش در نگهداری آنچه حفظش ضروری است، این صفت در قالب مطلوبش از شجاعت، بزرگ منشی و قوت نفس انسان سرچشمه می‌گیرد و یکی از ملکه‌های نفسانی انسان و سبب مردانگی است و مرد بی غیرت از زمره مردان خارج است. (نراقی، بی تا، ص ۲۶۶)

۱. حمیت مثبت و منفی

البته در اسلام از حمیت به دو شکل مثبت و منفی یاد شده است. از نظر قرآن، حمیت می‌تواند عقلانی و غیرعقلانی باشد. خداوند می‌فرماید:

«جَعَلَ الَّذِينَ كَفَرُوا فِي قُلُوبِهِمُ الْحَمِيَّةَ الْجَاهِلِيَّةَ فَأَنْزَلَ اللَّهُ سَكِينَتَهُ عَلَى رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ وَأَلْزَمَهُمْ كَلِمَةَ التَّقْوَى وَكَانُوا أَحَقَّ بِهَا وَأَهْلَهَا وَكَانَ اللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمًا» (فتح، ۲۶)

آنگاه که کافران در دل‌های خود حمیت و تعصب، آن‌هم تعصب جاهلیت ورزیدند، پس خدا آرامش خود را بر پیامبرش و بر مؤمنان فرو فرستاد و آرمان تقوا را ملازم آنان ساخت؛ و درواقع آنان به رعایت آن آرمان و دفاع از مسجدالحرام و کعبه سزاوارتر بودند و خدا همواره بر هر چیزی داناست.

باید توجه داشت که جهل در بیشتر آیات قرآن به معنای سفاکت و بی‌خردی بکار برده شده است؛ یعنی جهل در برابر عقل است نه جهل در برابر علم؛ بنابراین، مراد از جاهلیت در این موارد جهل در برابر عقل یعنی بی‌خردی است. بر این اساس، حمیت می‌تواند عقلانی یا غیرعقلانی باشد.

حمیت عقلانی آن است که بر اساس فطرت الهی انسان باشد که مؤمنان بدان سزاوار هستند؛ زیرا ایشان اعتقادات خویش را بر اساس مبانی عقلانی ایجاد کرده و بدان معتقد شده‌اند نه بر اساس تقلید کورکورانه از نیاکان و یا امور خرافی. از همین رو دفاع مؤمنان از مسجدالحرام و کعبه یک دفاع و حمیت عقلانی است نه جاهلی؛ پس کسانی که از اعتقادات عقلانی خویش دفاع و صیانت می‌کنند و نسبت به آن نوعی تعصب می‌ورزند، انسان‌های ارزشمندی هستند؛ زیرا تعصب و



حمیت عقلانی یک ارزش فطری و مثبتی است که شریعت نیز آن را امضا و تأیید کرده است؛ در حالی که تعصب و حمیت جاهلی و غیرعقلانی، یک امر ضد ارزشی است؛ زیرا دفاع و صیانت از امور خرافی و باطلی است که جز سفیهان و بی‌خردان کسی این کار را انجام نمی‌دهد.

۲. انواع غیرت

غیرت به چهار نوع: دینی، ناموسی، ملی و فرهنگی تقسیم می‌شود.

- غیرت دینی

منظور از غیرت دینی، این است که انسان مسلمان نسبت به کیان اسلام و آنچه بدان مربوط می‌شود حساس باشد، با تمام توان در اثبات و اجرای آن بکوشد و از کوچک‌ترین خدشه و تعرضی نسبت به آن جلوگیری کند.

بر این اساس، جهاد، امر به معروف و نهی از منکر، سفارش به حق و صبر، تعلیم و تعلم و... می‌تواند در راستای غیرت دینی قرار گیرد، چراکه هر یک از موارد یادشده از یک سو، در تحکیم احکام اسلام مؤثر است و از سوی دیگر، با ضد آن سرستیز دارد.

قرآن مجید با لحن تحریک‌آمیزی از مسلمانان می‌خواهد که ضمن تقویت غیرت دینی خویش در موارد لزوم، آن را به‌کارگیرند و از اسلام و مسلمانان بی‌یاور دفاع کنند:

«وَمَا لَكُمْ لَا تُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَالْمُسْتَضْعَفِينَ مِنَ الرِّجَالِ وَالنِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ» (نساء، ۷۵)

شما را چه شده که در راه خدا و مردان و زنان و کودکان مستضعف نمی‌جنگید؟

پیام این آیه نشانگر آن است که جنگیدن در راه خدا و تلاش در رهاسازی مستضعفان، خواست خدا و لازمه مسلمانی است که اگر انجام نپذیرد، دور از انتظار و مورد اعتراض خدا قرار می‌گیرد.

امیر مؤمنان (علیه‌السلام) نیز غیرت را عین دینت دانسته، فرموده‌اند:

«غَيْرَةُ الرَّجُلِ إِيْمَانٌ». (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۳۷۷)

غیرت مرد (عین) ایمان است.



شکل باطل این غیرت، تعصب جاهلی است که بدون اینکه عقاید پشتوانه عقلی داشته و مدلل باشند فقط صرف اینکه ما از گذشته به این عقیده بوده‌ایم و پدران ما چنین بوده‌اند از آن دفاع کرده و تعصب نشان دهند.

«وَ كَذَلِكَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ فِي قَرْيَةٍ مِنْ نَذِيرٍ إِلَّا قَالَ مُتْرَفُوهَا إِنَّا وَجَدْنَا آبَاءَنَا عَلَىٰ أُمَّةٍ وَإِنَّا عَلَىٰ آثَارِهِمْ مُقْتَدُونَ» (زخرف، ۲۳)

و بدین سان نفرستادیم پیش از تو در شهری ترساننده‌ای جز آنکه گفتند هوسرانان ما که یافتیم همانا پدران خویش را بر ملت‌ی و مائیم هر آینه بر نشانی‌های آنان پیروان.

- غیرت ناموسی

حمایت و حفاظت از ناموس، ارتباطی تنگاتنگ با شرف و مردانگی شخص مسلمان دارد و اسلام با تأکید از او خواسته که از ناموس خود و هم‌کیشانش در برابر هر گونه گزند داخلی و خارجی به شدت دفاع کند و کمترین مسامحه‌ای از خود بروز ندهد، حتی روایت شده که:

«اگر کسی ببیند که مرد بیگانه‌ای با همسرش نزدیکی می‌کند، می‌تواند هر دو نفر را بکشد.» (حرعاملی، ۱۴۱۴، ص ۱۴۹)

فتوای امام راحل (قدس سره) نیز چنین است:

«اگر به ناموس کسی - خواه همسرش باشد یا دیگران - به قصد تجاوز حمله شود، واجب است به هر وسیله ممکن آن را دفع کند گرچه به کشتن مهاجم بیانجامد، بلکه اگر قصد آبروریزی به کمتر از تجاوز هم داشته باشد، به ظاهر حکمش همین است.» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۸۷).

همچنین، مسلمانان وظیفه دارند که در میان خود - در روابط اجتماعی و خانوادگی - عفت شخصی و عمومی را رعایت کنند. زنان باحجاب کامل اسلامی و رعایت شئون اجتماعی، از هر گونه خودنمایی و تحریک مردان امتناع ورزند و مردان نیز با متانت و حفظ امانت نسبت به پاک‌دامنی خود و دیگران همت گمارند و نیز ناموس خویش را از رفت‌وآمدهای غیرضروری، پوشیدن لباس‌های جلف و زننده، هر گونه خودآرایی در اجتماع، سخن گفتن و روبرو شدن با نامحرم و... بازدارند تا زمینه‌های ناامنی ناموسی محو شده، جای خود را به امنیت و عفت بدهد.



این غیرت نیز گاهاً با تعصب باطلی اشتباه گرفته می‌شود؛ مثلاً فرزندان زن بیوه از ازدواج مجدد او جلوگیری می‌کنند و یا در برخی مناطق سنتی، نامزدهای شرعی و قانونی از یکدیگر دور نگه‌داشته می‌شوند و امثال آن؛ در حالی که وقتی کسی با عقد شرعی و قانونی همسر کسی شد بانوی مذکور تحت سرپرستی و قیمومیت و زیر چتر حمایت آن فرد قرار گرفته است.

- غیرت ملی

مراد از «غیرت ملی» احساس مسؤولیت در برابر تمامیت ارضی کشور اسلامی و دلسوزی و حمایت از مسلمانان و عزت و شرف آنان است که به شکلی با «غیرت دینی» و «غیرت ناموسی» نیز پیوند دارد.

ناگفته مشخص است که «ملی‌گرایی» به معنای امروزی از نظر اسلام محکوم و نامعقول است؛ گرچه قوم‌گرایی نیز که قبلاً رواج داشت، مذموم بود. چه این که شعار عرب قبل از اسلام این بود که «انصر اخاک ظالماً او مظلوماً»

اما وطن‌دوستی و مشارکت در دفاع از میهن و هم‌میهنان مسئله‌ای است که با سرشت انسانی عجین و از سوی اسلام نیز به رسمیت شناخته شده است که روایت پیش رو گواه آن می‌باشد: «حُبُّ الْوَطَنِ مِنَ الْإِيمَانِ» (قمی، ۱۴۰۲، ص ۶۶۸)، وطن‌دوستی از ایمان است.

امام خمینی (قدس سره) نیز در این باره چنین فتوا داده است:

«اگر دشمنی به کشور اسلامی یا مرزهای آن حمله کند و اسلام و جامعه اسلامی مورد خطر قرار گیرد، بر مسلمانان واجب است که به هر وسیله ممکن و با بذل جان و مال از آن دفاع کنند.» (امام خمینی، ۱۳۷۹، ص ۴۸۵).

- غیرت فرهنگی

چون فرهنگ نیز یکی از ارزش‌های کنونی زندگی شمرده می‌شود، شاید بتوان جدای از دین برای آن نیز واقعیتی قائل شد؛ زیرا اکنون برای هویت فرهنگی افراد یک کشور اهمیتی بیشتر از گذشته قائل هستند. مثلاً مردم یک کشور بر زبان، طرز لباس، آداب و رسوم اجتماعی خویش



تأکید می‌ورزند. در سال‌های اخیر فرهنگ لیبرالی و آمریکایی سعی دارد خود را بر تمام مردم دنیا تحمیل کند. غذاهای مک دونالدی، فیلم‌ها و تولیدات فرهنگی هالیوود و لباس‌های سبک گروه‌های آمریکایی، سعی دارند در کل دنیا رسوخ کنند و مقام معظم رهبری نیز در صحبت‌های خود به تهاجم فرهنگی هشدار دادند که البته بخش عمده آن نیز به دین ما برمی‌گردد اما بخشی از آن مانند پیشنهاد ایشان برای لباس ملی و تأکید بر زبان فارسی و ... از مواردی است که می‌توان تحت عنوان غیرت فرهنگی دانست.

درباره غیرت در غرب باید توضیح دهیم که درباره غیرت‌های ملی و فرهنگی در غرب شواهدی یافت می‌شود. فرانسویان بارها درباره زبان انگلیسی و گسترش آن هشدار داده‌اند و بر زبان فرانسوی تأکید دارند. ملی‌گرایی نیز یکی از نمودهای بارز فرهنگ غربی است که احیاناً با نژادپرستی نیز آمیخته است که جنگ‌های جهانی اول و دوم، از جمله تأثیرات افراطی این تفکر است.

درباره غیرت دینی اگر یهودیان را جدا کنیم غالب مسیحیان با چند چالش و تفکر ناقض غیرت دینی مواجه هستند:

تساهل و تسامح درباره عقاید جدید و بدعت‌ها و با توجه به مقتضیات آزادی که منجر به قرائت‌های مختلف می‌شود

اباحیگری و نفی اصل دین

پلورالیزم و قبول حقانیت ادیان و مذاهب دیگر.

غیرت نیز همانند حمیت می‌تواند عقلانی و غیرعقلانی باشد. از همین رو حضرت علی (علیه السلام) به فرزندش امام حسن (علیه‌السلام) فرموده است:

«إِيَّاكَ وَالتَّغَايُرَ فِي غَيْرِ مَوْضِعٍ غَيْرَةٍ فَإِنَّ ذَلِكَ يَدْعُو الصَّحِيحَةَ إِلَى السَّقْمِ وَ الْبَرِيئَةَ إِلَى

الرَّيْبِ»؛ مواظب باش در غیر موضع غیرت و نابجا، غیرت به خرج ندهی؛ زیرا این عمل افراد سالم را به سوی فساد و افراد پاک‌دامن را به‌جانب گناه متمایل خواهد ساخت. (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۵۲)



- غیرت زنان

درباره غیرت زنان باید گفت غیرت زن دو نوع است که نوعی از آن مثبت و نوعی منفی و مذموم است. غیرت مثبت که پسندیده است، حساسیت در برابر گناه است. حضرت امیر درباره کسی که قصد ازدواج دارد می‌فرماید دو رکعت نماز بخواند و بعد از نماز بگوید:

«اللهم ارزقنی زوجة قنوعا غیورا...» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۲۶۸)؛

در روایات دیگر نیز، همسران از ذکر محسنات و زیبایی‌های زنان دیگر برای شوهر خود به شدت نهی شده‌اند. در این مورد نیز زنان باید غیرت نشان داده و از توجه و تخیل شوهر نسبت به زنان دیگر مخصوصاً هنگام هم‌بستری مانع شده و محاسن دیگر زنان را ذکر نکنند. در ذیل آیه «وَوَ شَارِكُهُمْ فِي الْأَمْوَالِ وَالْأَوْلَادِ» (اسراء/۶۴) که شیطان شریک اولاد و فرزندان شود مفسران گفته‌اند شریک شدن شیطان در اولاد به این است که هنگام انعقاد نطفه مرد به فکر زن دیگر باشد.

به‌رحال این نوع غیرت درباره زنان پسندیده است اما غیرتی که برای زنان منفی است و نباید داشته باشند غیرت به لحاظ ازدواج مجدد شوهر است که آن‌ها میل ندارند زن دیگر وارد زندگی آن‌ها شود و روایات این را حسادت دانسته‌اند در اشاره به این نوع غیرت آمده است:

«غَيْرَةُ الْمَرْأَةِ كَفْرٌ وَ غَيْرَةُ الرَّجُلِ اِيْمَانٌ» (سید رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۱۲۴) منظور، آن غیرتی

است که زن در مقابل شوهر خودش و در برابر خواست او از خود نشان می‌دهد.

مراد از کفر در این حدیث، معصیت و گناه یعنی کفر عملی است نه کفر اعتقادی. مراد آن حساسیتی است که زن در برابر همسر دوم از خود نشان می‌دهد و در واقع نوعی حسادت زنانه و حساسیت بی‌مورد و نابجاست که منجر به نافرمانی و معصیت خداوند و مخالفت با حکم و دستور خداوند می‌گردد. ولی غیرت مرد به معنای نهی از منکر و جلوگیری از آلوده شدن همسرش به فحشاء و آلوده‌دامنی است که امری مطلوب و برخاسته از ایمان و تعهد مرد است.

زن اگر به همسر دیگر شوهرش حسادت بورزد مخالفت بافرمان خدا کرده و مخالفت و حسادت مرد نسبت به گام نهادن مرد بیگانه در زندگی خانوادگی‌اش اطاعت فرمان خدا است.



امام باقر (علیه السلام) نیز در این باره می‌فرماید:

«ان النساء اذا غرن غضبن و اذا غضبن كفرن الا المسلمات منهن» (حر عاملی، ۱۴۱۴، ص ۱۵۶)

ج. صفت حیا

حیا یکی از مهم‌ترین صفات نفسانی است که تأثیر فراوانی بر حوزه‌های مختلف زندگی اخلاقی ما دارد. نقش بارز این تأثیر، بازدارندگی است. حیا، ملکه و خصلت روحی ویژه‌ای است که شخص را وامی‌دارد که حریم نگه دارد و از پرده‌داری و خارج شدن از حدود اخلاقی در برخورد با دیگران، هم از جهت گفتاری و هم از جهت رفتاری بپرهیزد. به تعبیر دیگر، حیا صفتی است که شخص را از ارتکاب اقوال و افعالی که به نظر عرف و عقلا ناپسند و ناخوشایند است، باز می‌دارد.

۱. حیا از نگاه لغت‌شناسان

مطالعه دیدگاه لغت‌شناسان در تعریف حیا، نشان می‌دهد که تقریباً همه آنان در یک مسیر حرکت کرده و تعریف‌های نزدیک به هم ارائه کرده‌اند. در اینجا به برخی از این تعریف‌ها اشاره می‌شود:

حیا، عبارت است از دگرگونی حال و اثرپذیری که به جهت ترس از آنچه عیب شمرده و نکوهش می‌شود، حاصل می‌گردد. (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۳)

حیا، عبارت است از انقباض و انزوا از کار زشت، به جهت ترس از مذمت مردم (طریحی، ۱۳۷۵، ص ۱۱۶)

۲. حیا از منظر علمای اخلاق

در منابع اخلاقی در تعریف حیا از تعبیرهای گوناگونی استفاده شده است که در اینجا نمونه‌هایی از آنها را می‌آوریم:

حیا، عبارت است از حصر نفس و انفعال آن، در ارتکاب حرام‌های شرعی و عقلی و عرفی، به جهت ترس از سرزنش و نکوهش مردم (نراقی، بی‌تا، ص ۴۶)؛ یعنی ترس از سرزنش مردم موجب



می‌شود که انسان در مواجهه با امور سه‌گانه حرام شرعی، عقلی و عرفی، منفعل شده، از نظر روانی دچار حصر و تنگنا گردد.

حیا، نوری است که جوهرش صدر ایمان است و تفسیرش توقف در هر چیزی که مخالف توحید و معرفت باشد. (منسوب به امام صادق (علیه‌السلام)، ۱۴۰۰، ص ۱۸۹)

حیا، خصلتی است که انسان را بر ترک کردن فعل قبیح و جلوگیری از کوتاهی کردن در حق دیگران برمی‌انگیزد. (نوری، ۱۴۱۹، ص ۲۲۹؛ گروهی از نویسندگان، بی‌تا، ص ۱۷۹۷)
در این تعریف، به جنبه بازدارندگی اشاره شده و به یکی از مصادیق آن نیز تصریح شده است.

۳. حیا از منظر آیات و روایات

روایات درباره شرم و حیا دو رویکرد دارند.

الف. دسته‌ای از روایات، به نظارت خداوند می‌پردازند و جهان را در محضر خداوند معرفی می‌کنند و مردم را به حیا کردن از خداوند، فرامی‌خوانند.

ب. دسته‌ای دیگر، مردم را به حضور و نظارت فرشتگان توجّه می‌دهند و آنان را به حیا فرامی‌خوانند.

در اینجا به برخی از آیات و روایات در دو دسته اشاره می‌شود:

- دسته اول

قرآن مجید، هنگام طرح داستان خلوت کردن زلیخا با حضرت یوسف (علیه‌السلام)، در بیان علت امتناع حضرت یوسف (علیه‌السلام) می‌فرماید:

«آن زن قصد او کرد؛ و او (یوسف) نیز، اگر برهان پروردگار را نمی‌دید، قصد وی می‌نمود (یوسف/۲۴)»

در این آیه شریفه، از «برهان پروردگار»، به عنوان عامل بازدارندگی از گناه اشاره شده است. امام زین العابدین (علیه‌السلام) در تفسیر این برهان می‌فرماید:

«زن عزیز مصر به‌سوی بُت رفت و پارچه‌ای بر روی آن انداخت، یوسف از او پرسید: برای چه این کار را کردی؟ پاسخ داد: شرم دارم از این که این بت، ما را ببیند! در این هنگام، یوسف به وی



گفت: آیا تو شرم می کنی از چیزی که نه می شنود و نه می بیند و نه می فهمد و نه می خورد و نه می نوشد؛ ولی من شرم نکنم از کسی که بشر را آفریده و او را دانش آموخته است؟ این، معنای سخن خداوند است که می فرماید: «اگر بُرهان پروردگارش را ندیده بود» (صدوق، ۱۳۷۸، ص ۴۵)

آنچه باعث حیای زلیخا شد، ناظر بودن بُت بود؛ هر چند نظارت او بر اعمال بشر، خیال باطل است و آنچه مایه شرم حضرت یوسف (علیه السلام) شد، این بود که خداوند، آگاه و ناظر بر اعمال بشر است.

۲. با توجه به تحلیل ماهیت و معنای حیا؛ آیه شریفه «أَلَمْ يَعْلَم بِأَنَّ اللَّهَ يَرَى» (علق/۱۴) مگر ندانسته که قطعاً خدا [همه کارهایش را] می بیند؟ با موضوع حیا رابطه تنگاتنگ دارد و بیانگر آن است؛ بدون این که از واژه حیا استفاده شده باشد.

در آغاز رسالت پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم)، هنگامی که ایشان مورد آزار یکی از مشرکان قریش قرار گرفتند، خداوند، وی را به حیا فراخواند و فرمود که:

«آیا نمی داند که خدا او را می بیند؟» (قمی، ۱۴۰۴، ص ۴۳۰-۴۳۱؛ طبری، ۱۴۱۲، ص ۱۶۴)

۳. پیامبر اکرم (صلی الله علیه وآله و سلم) فرمودند:

«شرم کنید امروز از این که خداوند از تمام امور شما آگاه است.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۳۳)

۴. امام علی (علیه السلام) فرمودند:

«از خدایی پروا داشته باشید که در دید او هستید و زمام شما به دست اوست و حرکات شما در اختیار او است؛ اگر پنهان سازید، آگاه است و اگر آشکارسازید، می نگارد. برای این کار، نگهبانان و مراقبان ارجمندی قرار داده که هیچ حقی را فرو نمی گذارند و هیچ چیزی را به باطل ثبت نمی کنند.» (سید رضی، ۱۴۱۴، ص ۲۶۶)

۵. امام زین العابدین (علیه السلام) فرمودند:

«از خداوند متعال بترس، چون بر تو قدرت دارد و از او شرم کن، چون به تو نزدیک است.»

(حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۸۹)

۶. امام باقر (علیه السلام) فرمودند: «از خدا شرم کن، به آن اندازه که به تو نزدیک است و از او

بترس، به اندازه ای که بر تو قدرت دارد.» (حلوانی، ۱۴۰۸، ص ۱۱۰)



- دسته دوم

امام صادق (علیه السلام) با اشاره به نظارت فرشتگان بر اعمال آدمی می‌فرماید:
«هر کسی که در خلوت، زمینه گناه برایش فراهم شود و خداوند متعال را مراقب خود بداند و از فرشتگان نگهبان حیا کند، خداوند، همه گناهان او را می‌آمرزد، هر چند به اندازه گناهان جنّ و انس باشد.» (صدوق، ۱۴۱۳، ص ۴۱۱)

همچنین از دیدگاه امام صادق (علیه السلام) اساساً فلسفه ناظر قرار دادن فرشتگان، همین است که مردم با توجه به وجود و حضور آنان، دست از گناه بردارند (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۳۲۳)

۴. انواع حیا

حیا به دو نوع «حیای خوب» و «حیای بد» یا «حیای درست» و «حیای نادرست» تقسیم می‌شود. حیای خوب یا درست همان پروایی است که نسبت به رفتاری که حقیقتاً ناپسند است و فطرت سالم از انجام آن شرم دارد، متجلی می‌شود؛ اما حیای نادرست، پروای بی‌موردی است که بدون توجیه خردمندانه تحقق می‌یابد. این تقسیم در کلام پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) این گونه منعکس شده است:

«الحیاء حیائان: حیاء عقل و حیاء حمق، فحیاء العقل هو العلم و حیاء الحمق هو الجهل» (کلینی،

۱۴۰۷، ص ۱۰۶)؛

حیا دو گونه است: حیای عقل و حیای حماقت؛ حیای عقل، علم است و حیای حماقت، نادانی است.

یعنی اگر با معیار درست، باور به زشتی رفتاری شکل بگیرد، حیای انجام آن، مبتنی بر علم و معرفت به زشتی آن عمل است و اگر اعتقاد بر اساس علم و معرفت شکل نگیرد، جهل و نادانی است و حیای ناشی از آن نیز حماقت خواهد بود.

چه بسیارند افرادی که از رفتارهایی مانند مطالبه حق خود، انجام تکالیف شرعی در برخی محیط‌ها و امر به معروف و نهی از منکر شرم می‌کنند که البته این نوع شرم، حیای حماقت و نادانی است.



از امام علی (علیه‌السلام) درباره مصادیق شرم ناشی از نادانی روایت شده است:
 «ثَلَاثٌ لَا يَسْتَحْيِي مِنْهُنَّ: خِدْمَةُ الرَّجُلِ ضَيْفَهُ وَ قِيَامُهُ عَن مَجْلِسِهِ لِأَبِيهِ وَ مُعَلِّمِهِ وَ طَلَبُ الْحَقِّ وَ
 إِنْ قُلَّ» (طبرسی، ۱۳۶۸، ص ۲۶۰؛ محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ص ۷۲۰)

از سه کار نباید حیا کرد: خدمت به میهمان، از جا برخاستن برابر پدر و آموزگار خویش و طلب حق گرچه اندک باشد.

آن حضرت در حدیث دیگری می‌فرماید:

«مَنْ اسْتَحْيَى مِنْ قَوْلِ الْحَقِّ فَهُوَ أَحْمَقُّ» (محمدی ری‌شهری، ۱۳۶۲، ص ۳۰۸)

کسی که از گفتن حق شرم کند، احمق است.

بر اساس تقسیم‌بندی دیگر، برخی از بزرگان حیا را بر دو نوع دانسته‌اند. «نفسانی» که خدا آن را بر همه جان‌ها آفریده است؛ و «ایمانی» که مؤمن را از گناه کردن به خاطر ترس از خداوند باز می‌دارد (صدر و دوستان، ۱۳۸۰، ۵۸۳)

۵. ارزش حیا

رسول خدا (صلی‌الله علیه و آله) حیا را زینت آدمی شمرده و فرموده‌اند:

«بی شرمی با هیچ چیز همراه نشد مگر این که آن را زشت گردانید؛ و حیا با هیچ چیز همراه نگشت، مگر این که آن را آراست» (صدوق، ۱۳۷۶، ص ۱۶۷)

امام علی (علیه‌السلام) فرمودند:

«هر که پوشش شرم گزیند، کس عیب او نبیند» (سید رضی، ۱۴۱۴؛ حکمت، ۲۲۳؛ صدوق، ۱۴۱۳،

ص ۳۹۱؛ کلینی، ۱۴۰۷، ص ۲۳)

و در بیانی دیگر می‌فرماید:

«حیا پیشه کن که حیا نشانه نجابت است» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۶۰۸۲)

امام صادق (علیه‌السلام) جایگاه حیا را در رأس مکارم اخلاقی دانسته می‌فرماید:

«مکارم اخلاق یکی بسته به دیگری است، خداوند آن‌ها را به هر که خود خواهد، دهد. ممکن

است در مرد باشد و در فرزندش نباشد، در بنده باشد و در مولای او نباشد، (آن‌ها عبارت‌اند از):



«راست گویی، صداقت با مردم، بخشیدن به مسکین، جبران کردن خوبی‌ها، امانت‌داری، صلح
رحم، دوستی و مهربانی با همسایه و یار، میهمان‌نوازی و در رأس همه، حیا» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۵۵؛
صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۰۸)

امام علی (علیه‌السلام) در باب نقش کلیدی حیا فرمودند:

«حیا وسیله رسیدن به هر زیبایی و نیکی است.» (حرّانی، ۱۳۸۲، ص ۸۴)

اهمیت حیا در حدّی است که امام صادق (علیه‌السلام) فرمودند: «ایمان ندارد کسی که حیا
ندارد.» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۰۶)

از سیره رسول اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) گزارش شده است که هرگاه با مردم صحبت
می‌کردند، عرق شرم بر پیشانی داشتند و هیچ‌گاه به آنان خیره نمی‌شدند (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۵۶۵)
گاهی شرمساری ماهیتی منفی می‌یابد و آن در صورتی است که منشأ آن حماقت، جهالت و
ضعف نفس باشد. این نوع شرم و حیا در اخلاق اسلامی به شدت مورد نکوهش قرار گرفته و فضیلت
اخلاقی به شمار نیامده است، بلکه مانع رشد و تعالی انسان و موجب عقب‌ماندگی او در زمینه‌های
مختلف می‌گردد. در روایات از این نوع شرم، به حیای حماقت و جهل و حیای ضعف یاد شده است
(صدوق، ۱۳۸۱، ص ۵۵؛ کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۰۶)

۶. آثار حیا

در روایات، آثار فراوانی اعم از دنیوی و اخروی، فردی و اجتماعی و نفسانی و رفتاری برای حیا
بیان شده است که برخی از آن‌ها به شرح زیر است:

- محبت خداوند

پیامبر اکرم (صلی‌الله‌علیه‌و‌آله‌و‌سلم) فرمودند:

«خداوند، انسان باشرم و حیا و پاک‌دامن را دوست دارد و از بی‌شرم‌گدای سیمج نفرت دارد»

(صدوق، ۱۳۷۶، ص ۳۹؛ کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۲؛ صدوق، ۱۴۱۳، ص ۵۰۶)

- عفت و پاک‌دامنی

امام علی (علیه‌السلام) می‌فرماید: «ثمره حیا، عفت و پاک‌دامنی است» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۶۱۲)



- پاک شدن گناهان:

امام سجاد (علیه‌السلام) در این باره فرمودند:

«چهار چیز است که هر کس را باشد، اسلامش کامل و گناهش پاک گردد و پروردگار خود را ملاقات می‌کند، در حالی که خداوند عزوجلّ از او خشنود است: هر کس به آنچه به نفع مردم بر خویشان قرار داده برای خدا انجام دهد و زبانش با مردم راست باشد و از هر چه نزد خدا و نزد مردم زشت است، شرم کند و با خانواده خود خوش‌رفتار باشد.» (صدوق، ۱۳۸۱، ص ۱۶۶)

رسول خدا اکرم (صلی‌الله علیه و آله و سلم) در شرح پاره‌ای از آثار شرم و حیا فرمود:

اما آنچه از حیا نشأت می‌گیرد: نرمش، مهربانی، در نظر داشتن خدا در آشکار و نهان، سلامت، دوری کردن از بدی، خوش‌رویی، گذشت و بخشندگی، پیروزی و خوش‌نامی در میان مردم است. این‌ها فوایدی است که خردمند از حیا می‌برد (حرّانی، ۱۳۸۲، ص ۲۰)

در متون اخلاقی اسلام پیامدهای بسیاری برای «وقاحت و بی‌شرمی» بیان شده است که به دلیل اختصار تنها به بیان یک روایت در این باب اکتفا می‌شود.

امام صادق (علیه‌السلام) به شاگرد خود «مفضل» می‌فرماید:

«ای مفضل، اگر حیا نبود انسان هیچ‌گاه میهمان نمی‌پذیرفت، به وعده وفا نمی‌کرد، نیازها (ی مردم) را برآورده نمی‌ساخت، از نیکی‌ها بر حذر بود و بدی‌ها را مرتکب می‌شد. بسیاری از امور لازم و واجب نیز برای حیا انجام می‌شود. بسیاری از مردم، اگر حیا نمی‌کردند و شرمگین نمی‌شدند، حقوق والدین را رعایت نمی‌نمودند، هیچ صلہ‌رحمی نمی‌کردند، هیچ امانتی را به‌درستی باز پس نمی‌دادند و از فحشا بر حذر نبودند.» (مجلسی، ۱۴۰۳، ص ۸۱)

۷. موارد حیا

گفته شد که حیا، شرم از انجام اعمال زشت در محضر ناظر محترم است؛ بنابراین اولاً، در متون اخلاق اسلامی خداوند و ناظران و نمایندگان او، حقیقت الهی و انسانی فرد و دیگران، به عنوان ناظرانی که باید از آن‌ها شرم و حیا ورزید مطرح شده‌اند (صدوق، ۱۳۷۸، ص ۴۵؛ قمی، ۱۴۰۴،

ص ۳۰۴؛ کراچکی، ۱۴۱۰، ص ۱۸۲؛ صدوق، ۱۳۷۶، ص ۲۱۰)



ثانیاً، قلمرو حیا امور زشت و ناپسند است و شرمساری در انجام نیکی‌ها هیچ‌گاه پسندیده نیست. ولی این حدّ و مرز در بسیاری از موارد از سوی مردم رعایت نمی‌گردد. منشأ این امر گاهی جهالت و گاهی بی‌مبالاتی است. در بسیاری از روایات حیاءورزی در برخی موارد ممنوع شده است. به نظر می‌رسد که باوجود ضابطه پیش‌گفته در مفهوم حیا، این تأکید به دلیل آن است که انسان نسبت به این موارد نوعی شبهه علمی دارد و تا حدودی توجیهاتی، جهت تأیید حیاءورزی در آن موارد برای خود دست و پا می‌کند، در حالی که تصورات او باطل است. برخی از موارد و مواقعی که جای حیا ورزیدن نیست، بدین قرارند:

۱- حیا ورزیدن از گفتار، کردار و درخواست حق؛

پیامبر (صلی‌الله علیه و آله و سلم) فرمودند: «هیچ عملی را از روی ریا و خودنمایی انجام مده و از سر حیا و شرم آن را رها نکن» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۱۱۱ و ۵۶۸)

۲- حیا ورزیدن از تحصیل علم؛

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «کسی شرم نکند از آموختن آنچه نمی‌داند» (سید رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۸۲؛ حرّانی، ۱۳۸۲، ص ۳۱۳)

۳- حیا ورزیدن از تحصیل درآمد حلال؛

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «کسی که از طلب مال حلال حیا نکند، هزینه‌هایش سبک شود و خداوند خانواده‌اش را از نعمت خویش بهره‌مند گرداند» (صدوق، ۱۳۱۴، ص ۴۱۰)

۴- حیا ورزیدن از خدمت به مهمان؛

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «نباید از خدمت کردن به مهمان شرم کرد» (آمدی، ۱۴۱۰، ص ۴۶۶۶)

۵- شرم از اعتراف به ندانستن؛

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «اگر از کسی سؤالی کردند و نمی‌داند، شرم نکند از این که بگوید: نمی‌دانم» (سید رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۸۲)



۶- شرم از درخواست از خداوند؛

امام صادق (علیه السلام) فرمودند: «هیچ چیز در نزد خداوند محبوب تر از آن نیست که از او چیزی درخواست شود، پس هیچ یک از شما نباید شرم کند از این که از رحمت خداوند درخواست کند؛ اگرچه (خواسته او) یک بند کفش باشد.» (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۲۰)

۷- شرم از بخشش اندک؛

امام علی (علیه السلام) فرمودند: «از بخشش اندک شرم مدار که محروم کردن از آن کمتر است» (سید رضی، ۱۴۱۴، حکمت ۶۷)



نتیجه بحث

غیرت به معنای رشک و حسد مردانه و سرشار از صفات آن است که هم مفهوم حمیت است. به چهار نوع: دینی، ناموسی، ملی و فرهنگی تقسیم می‌شود.

در لغت، سه معنا برای حیا وجود دارد: «تغییر و انکسار درونی»، «انقباض نفس از زشتی‌ها» و «عامل بازدارندگی در برابر گناه». در بحث مفهوم حیا، آن را انقباض نفس و وجود اکراه از انجام عمل زشت و ناپسند، به خاطر عیب‌گیری و سرزنش دیگران تعریف کردیم.

روایات درباره شرم و حیا دو رویکرد دارند. دسته‌ای از روایات، به نظارت خداوند می‌پردازند؛ جهان را در محضر خداوند معرفی می‌کنند و مردم را به حیا کردن از خداوند، فرامی‌خوانند. دسته‌ای دیگر، مردم را به حضور و نظارت فرشتگان توجّه می‌دهند و از این راه آنان را به حیا دعوت می‌کنند.

توجّه به دیدن خداوند و درک حضور او، حیا را برمی‌انگیزد. در حقیقت، خداوند پیش از آن که مردم را به ترس فراخواند، به حیا فراخوانده است و این، جایگاه و اهمیت حیا را در نظام تربیتی اسلامی می‌رساند. لذا این مقاله به آشنایی بیشتر با مفهوم غیرت و حیا و برقراری رابطه مستقیم میان آن دو پرداخته است.



منابع و مأخذ

*قرآن کریم

*نهج البلاغه

۱. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، قم، دار الکتب الاسلامی، ۱۴۱۰ ق.
۲. ابن منظور انصاری، لسان العرب، بیروت، دار صادر، ۱۴۱۴ ق.
۳. پسندیده، عباس، پژوهشی در فرهنگ حیا، قم، دار الحدیث، چاپ چهارم، ۱۳۸۴ ش.
۴. حرّانی، ابومحمد، تحف العقول، مترجم، حسن زاده، چاپ اول، قم، آل علی، ۱۳۸۲ ش.
۵. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعه، چاپ دهم، تهران، کتابچی، ۱۴۱۴ ق.
۶. حلوانی، حسین، زهد الناظر و تنبیه الخاطر، قم، مدرسه الإمام المهدی (عج)، ۱۴۰۸ ق.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، بیروت، دار القلم، ۱۴۱۲ ق.
۸. سید رضی، محمد بن حسین، نهج البلاغه، صبحی صالح، قم، موسسه دارالهجره، ۱۴۱۴ ق.
۹. خمینی، روح الله، تحریرالوسیله، چاپ پنجم، قم، دارالعلم، ۱۳۷۹ ش.
۱۰. دهخدا، علی اکبر، لغتنامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷ ش.
۱۱. صدوق، محمد بن علی بن حسین، الامالی، مترجم، کمره ای، تهران، کتابچی، ۱۳۷۶ ش.
۱۲. صدوق، محمد بن علی، خصال، ج ۱، مترجم، کمره ای، بی جا، کتابچی، ۱۳۸۱ ش.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین، عیون اخبار الرضا (ع)، ج ۲، تهران، نشر جهان، ۱۳۷۸ ق.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین، من لا یحضره الفقیه، قم، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۱۵. طبرسی، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، ج ۱۶، چاپ دوم، قم، موسسه آل البیت، ۱۳۶۸ ش.
۱۶. طبری، ابو جعفر محمد بن جریر، جامع البیان فی تفسیر القرآن، ج ۳۰، بیروت، دار المعرفه، چاپ اول، ۱۴۱۲ ق.
۱۷. طریحی، فخر الدین، مجمع البحرین، ج ۱، تهران، کتابفروشی مرتضوی، چاپ سوم، ۱۳۷۵ ش.



۱۸. قمی، علی بن ابراهیم، تفسیر القمی، ج ۲، چاپ سوم، قم، دار الکتب، ۱۴۰۴ ق.
۱۹. قمی، علی بن ابراهیم، سفینه البحار، ج ۲، تهران، موسسه انتشارات فراهانی، ۱۴۰۲ ق.
۲۰. کراچکی، محمد بن علی، کنزالفوائد، ج ۲، چاپ دوم، قم، دار الذخائر، ۱۴۱۰ ق.
۲۱. کلینی، ابی جعفر محمد بن یعقوب بن اسحاق، الکافی، ج ۲ و ۸، چاپ چهارم، تهران، دار الکتب الاسلامیه، ۱۴۰۷ ق.
۲۲. محمدی ری شهری، محمد، میزان الحکمة، ج ۱، قم، دفتر تبلیغات اسلامی، ۱۳۶۲ ش.
۲۳. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، ج ۱۹ و ۶۸ و ۱۰۳، بیروت، دار إحياء التراث العربی، چاپ دوم، ۱۴۰۳ ق.
۲۴. معین، محمد، فرهنگ معین، چاپ سوم، تهران، زرین، ۱۳۸۶ ش.
۲۵. مفید، محمد بن محمد، امالی، مترجم، استاد ولی مشهد، آستان قدس رضوی، ۱۳۶۴ ش.
۲۶. منسوب به امام صادق (علیه السلام)، مصباح الشریعة، اعلمی، بیروت، چاپ اول، ۱۴۰۰ ق.
۲۷. نراقی، ملا محمد مهدی، جامع السعادات، ج ۳، بیروت، اعلمی، چاپ چهارم، بی تا.
۲۸. نوری، أبو زکریا محیی الدین یحیی بن شرف، ریاض الصالحین، بیروت، مؤسسه الرسالة، چاپ سوم، ۱۴۱۹ ق.

